

امروز شما

فروردین
صبح خود را با شور و هیجان آغاز می کنید، دوست دارید که دنیا را فتح کنید اما مراقب باشید زیرا امروز زمان خوبی برای عمل کردن، به خصوص در زمینه های کاریتان، نیست و ممکن است به مشکل برخوردید.

اردیبهشت
اگر می خواهید شریک زندگی تان را شاد ببینید، سعی کنید به رفتار تان تغییراتی بدهید. اگر شما آرامش می خواهید، باید این آرامش را به طرف مقابلتان نیز بدهید. پس قبل از آنکه دور شو دست به کار شوید.

خرداد
ایده های زیادی در سرتان است اما نمی دانید که آنها را چگونه مدیریت کنید، یادتان باشد که تا همه چیز برایتان روشن و واضح نبود، قدمی برندارید زیرا ممکن است که اواسط راه باز مسیر خود را گم کنید، آنوقت دیگر راه برگشتی هم نخواهد داشت.

تیر
سعی کنید امروز با تقدیر نچنگید. بگذارید سرنوشت شما را به هر کجا که می خواهد برود، اگر احساس سنگینی می کنید، تمام افکار منفی و پیچیده را دور بریزید.

مرداد
قلب شما پر از عشق است و این همان چیزی است که مدت ها به دنبالش بوده اید. اگر چه ابراز علاقه به عشق زندگی تان خوب است اما سعی کنید از این کار در ملامت یا در مقابل دوستانتان خودداری کنید.

شهریور
از این که می بینید اطرافیان تان چگونه از شما حمایت می کنند، حس خوبی دارید؛ اما جدا از حمایت آنها شما باید قوی باشید. اگر باور داشته باشید که همه چیز درست خواهد شد، مطمئناً همه چیز بر وفق مرادتان پیش خواهد رفت.

مهر
این روزها ذهنتان به شدت درگیر است، شاید به این دلیل که نمی توانید به احساس واقعی تان پی ببرید. اطرافیان شما را نصیحت می کنند اما متأسفانه نصیحت های آنها تنها شما را گیج تر کرده است. بهترین کاری که در حال حاضر می توانید انجام دهید، تنها ماندن است.

آبان
قبل از این که وارد عمل شوید بهتر است که ذهنتان را آماده کنید. امروز روز پر مشغله ای پیش رودارید، اگر چه به تمام آنها رسیدگی می کنید اما آنچه اهمیت دارد کیفیت انجام آنهاست.

آذر
امروز همه جهان در شادی و عشق غرقانند، پس شما نیز عادت های معمولتان را دور بریزید و چون خورشید بدرخشید. به عنوان مثال آهنگ مورد علاقه تان را با صدای بلند فریاد بزنید و از اطرافیان نیز بخواهید تا شمارا همراهی کنند.

دی
این روزها تمام انرژی تان مصرف شده و نای انجام هیچ کار دیگری هم ندارید. حتی اگر در شرایط حساسی هستید، کمی دست نگه دارید و به خودتان استراحت دهید. کار شما آنقدر ارزش ندارد که سلامتی تان را به خاطرش به خطر بیندازید.

بهمن
از ابراز افکار و احساسات تان به دیگران نهراسید. سعی کنید حرف های دیگران را هم بشنوید و از احساس آنها نیز آگاه شوید. این کار ارتباط شما را با دیگران عمیق تر می کند. زمانی که صحبت از عشق و عاشقی می شود، سعی کنید اعتداف پذیرتر باشید.

اسفند
امروز زمان خوبی است تا با دیگران، به خصوص افرادی که از حرف زدن با آنها هراسانید، قرار ملاقاتی بگذارید. در این شرایط، نگرانی های تان کم شده و راحت تر می توانید حرف دل تان را بزنید. فقط یادتان باشد که همان قدر که یک سخنگوی خوبی هستید، شنونده خوبی نیز باشید.

گفت و گو با سروش صحت به بهانه سریال «لیسانسه ها ۲»

فعالاً لیسانسه ام شاید فوق لیسانس گرفتم!

داستان حبیب، مسعود و مازیار حالا به میانه مسیر خود رسیده و این سه جوان با تمام خنده ها، شادی ها، گرفتاری ها و غم هایشان، جای خود را در دل مخاطبان تلویزیون باز کرده اند.

به گزارش جام جم آنلاین: لیسانسه ها که این شبها سری دومش روی آنتن می رود، مجموعه طنزی استاندارد و قابل دفاع در میان دیگر ساخته های نمایشی تلویزیون است که نمره قبولی گرفته و شوخی هایش مقبول افتاده است. موفقیتی که قطعاً نقطه ای مثبت در کارنامه کاری سروش صحت، کارگردان و نویسنده این مجموعه محسوب می شود و توان او را در شناخت درست سلیقه مخاطبان می رساند. سروش صحت در این گفت و گو از دلایل موفقیت لیسانسه ها در پخش و چگونگی شکل گیری شخصیت هایش می گوید.

بیشتر مجموعه های طنز عموماً ازدواج دختران را دستمایه داستان خود قرار می دهند و شخصیت دختری را به تصویر می کشند که در ازدواج ناکام مانده و به شدت به دنبال این موضوع و اصطلاحاً سروسامان گرفتن می گردد. تقریباً می توانم بگویم شخصیت پسر که تا این حد به دنبال ازدواج باشد، تاکنون در مجموعه ای به تصویر کشیده نشده بود و از این بابت موضوع اصلی لیسانسه ها نو و بدیع به نظر می رسد، چگونه به شخصیت حبیب رسیدید و داستان لیسانسه ها در ذهنتان جان گرفت؟

من و ایمان صفایی سالهاست مجموعه هایمان را باهم می نویسیم و از آنجا که هر دو باهم برای کار کردن و مطالعه به کتابخانه می رویم، در اطرافمان جوان های مختلفی را می بینیم؛ جوان هایی که عموماً تحصیلات عالی دارند و با این حال مشکلاتی هم در زندگی هایشان وجود دارد. عده ای دلشان می خواهد ازدواج کنند و شرایط برایشان فراهم نیست، عده ای ازدواج کرده اند و با مشکل کار و مسکن مواجه اند و خیلی ها هم تصمیم به مهاجرت دارند و باز شرایط برای این عده هم سخت است. به همین دلیل به این نتیجه رسیدیم که سه شخصیت جوان را در کنار هم بگذاریم که یکی شان وضع مالی اش بد نیست ولی نمی تواند آدم مناسب زندگی اش را پیدا کند، دیگری مشکل مسکن و کار دارد و آن یکی هم در داخل کشور کار پیدا نمی کند و هم به ناگاه درگیر بیماری ای می شود که برایش به منزله قوز بالا قوز است! در واقع توانستیم برای هر دسته از مشکلات، نماینده ای در قصه مان بگذاریم و داستان را پیش ببریم.

با این حال در طول تماشای مجموعه این طور به نظر می رسد که شخصیت اصلی حبیب است و دو شخصیت دیگر (مسعود و مازیار) در سایه و حضور دارند. شما سهم این سه جوان را در طول قصه یکسان می دانید؟

به نظر من و ایمان صفایی (دیگر نویسنده مجموعه) لیسانسه ها داستان هر سه این شخصیت هاست و هر سه سهم یکسانی در طول قصه دارند. اما برای من بیننده، شخصیت حبیب و مسیر ماجراهای او پر رنگ تر از بقیه به نظر می رسد.

شاید به این دلیل است که داستان حبیب و سیر ماجراهای او بار کمیک تری دارد؛ وگرنه داستان ما به تساوی بین هر سه نفر تقسیم شده است.

از همان ابتدا و شروع نگارش مجموعه، هونن شکیبا را برای بازی در نقش حبیب مدنظر داشتید؟

نه، وقتی شروع به نوشتن کردیم تا بیست قسمت نخست هنوز هیچ بازیگری را مدنظر نداشتیم. هنگامی که کم کم به فکر انتخاب بازیگران افتادیم، تنها کسی که از همان اول توی ذهن داشتیم، امیر کاظمی بود که از زمان «شمعدونی» با او صحبت کرده بودم و قرار بود نقش مازیار را ایفا کند. در خصوص هونن شکیبا، من بازی اش را دوست داشتم و در مجموعه های قبلی ام با او پیشنهاد همکاری داده بودم اما هر بار به دلیلی میسر نمی شد. این بار این اتفاق افتاد و بعد از انتخاب او به سراغ امیرحسین رستمی رتم. به نظرم ترکیب بندی این سه نفر در کنار هم درست بود.

انتخاب او ریسک بزرگی نبود؟ بهر حال امیرحسین رستمی با نقش های مختلفی که بازی کرده، به منزله نوعی ستاره در تلویزیون

ما سه نفر با هم می نویسیم و از آنجا که هر دو باهم برای کار کردن و مطالعه به کتابخانه می رویم، در اطرافمان جوان های مختلفی را می بینیم؛ جوان هایی که عموماً تحصیلات عالی دارند و با این حال مشکلاتی هم در زندگی هایشان وجود دارد. عده ای دلشان می خواهد ازدواج کنند و شرایط برایشان فراهم نیست، عده ای ازدواج کرده اند و با مشکل کار و مسکن مواجه اند و خیلی ها هم تصمیم به مهاجرت دارند و باز شرایط برای این عده هم سخت است. به همین دلیل به این نتیجه رسیدیم که سه شخصیت جوان را در کنار هم بگذاریم که یکی شان وضع مالی اش بد نیست ولی نمی تواند آدم مناسب زندگی اش را پیدا کند، دیگری مشکل مسکن و کار دارد و آن یکی هم در داخل کشور کار پیدا نمی کند و هم به ناگاه درگیر بیماری ای می شود که برایش به منزله قوز بالا قوز است! در واقع توانستیم برای هر دسته از مشکلات، نماینده ای در قصه مان بگذاریم و داستان را پیش ببریم.

محبوب می شود و مخاطبان حساسی با چهره و نوع بازی اش آشنا شدند. در صورتی که شکیبا با وجود فعالیت های مختلفش در تئاتر، در بین مخاطبان عام جایگاهی نداشت و ممکن بود بازی اش در مقایسه با رستمی خیلی به چشم نیاید و دیده نشود. از این بابت نگران نبودید؟

نه چرا که از پیش بازی های هونن را دیده بودم. او ستاره تئاتر است و در سینما هم کار تصویری انجام داده است. مطمئن بودم که او بی شک بهترین انتخاب برای این نقش است. در آثار قبلی ام هم برای انتخاب تئاتری ها هیچ گاه نترسیده ام و همیشه نقش های اصلی را به بازیگرانی داده ام که برای مخاطبان عام کمتر شناخته شده هستند. از این انتخاب، هم من راضی بودم و هم مخاطبانم.

دقیقاً شما در ساختمان پزشکان به سراغ بهنام شکر رفتید، در شمعدونی به سراغ محمد نادری و حالا هم که لیسانسه ها و هونن شکیبا. دلیل این انتخاب های تئاتری چیست؟

اصولاً دوست دارم از بازیگرانی استفاده کنم که ویژگی های جدیدی برای مخاطب داشته باشند و این اتفاق برایم خوشایند است. البته این بدان معنا نیست که حتماً اصرار به استفاده از تئاتری ها داشته باشم و باید بازیگر به نقش بیاید.

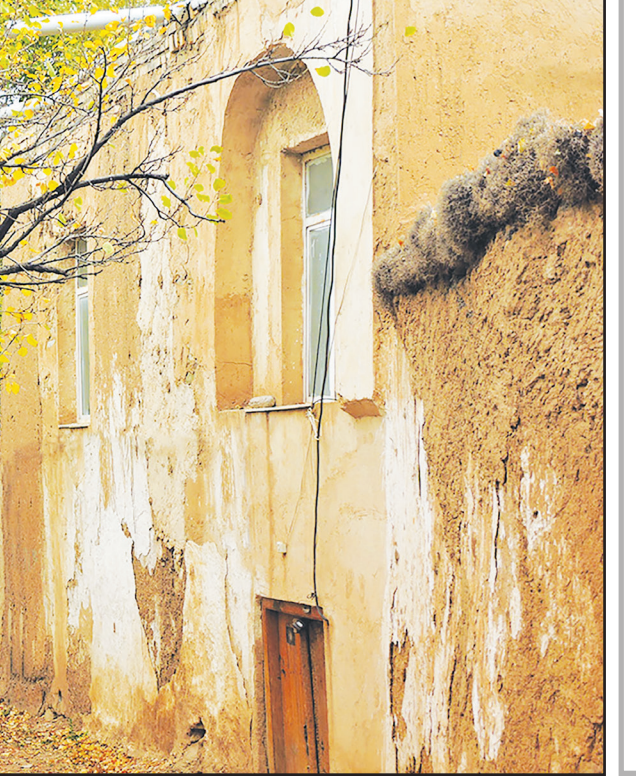
با توجه به این که هر سه شخصیت اصلی لیسانسه ها پسر هستند، درونمای کلی کار به نوعی مردانه به نظر می رسد و شخصیت های زن در حاشیه اش قرار دارند. برای بهتر دیده شدن این شخصیت ها چرا اتفاقاً فکرتان را کرده ایم و در آینده اتفاق هایی هم برای شخصیت هایی چون ترانه و خواهر آقای پلیس می افتد. ولی در مجموع از آنجا که داستان برای شوخی کردن با آقایان بازتر است، ماهیت مجموعه و شخصیت های اصلی آن پسرانه شده است.



کوچه های قدیمی و زیستن با مهر



از نگاه دوربین



پیدا کردن گنج توسط یک کشاورز هنگام شخم زدن



یک کشاورز کلمبیایی هنگام شخم زدن زمینش به این بشکه های پر از پول برخورد کرد! او تصادفاً ۶۰۰ میلیون دلار از پول های پابلو اسکوبار (قاچاقچی مواد مخدر) را پس از ۲۵ سال پیدا کرده بود!